

خاطر‌نگارها

«شیر و خورشید»ی که «هلال احمر» شد

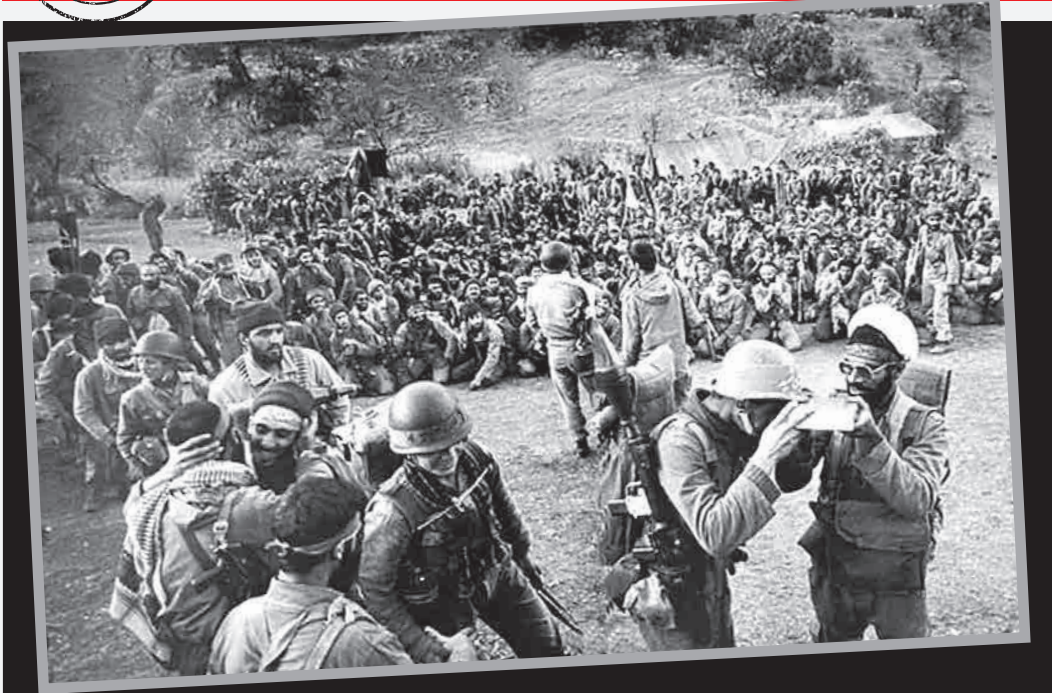
سَمیرا زمانی | بسیاری نخستین سازمان خیریه ایران را «جمعیت شیروخورشید سرخ» می‌دانند. نهادی که در اسفند ۱۳۰۱ شمسی با همت دکتر امیراعلم‌پس از زلزله بزرگ بجنورد تأسیس شد و وظایف امدادسانی در حوادث غیرمترقبه و امدادی، تأسیس بیمارستان و درمانگاه، تهیه دارو و تجهیزات پزشکی، تربیت پرستار، نگهداری از کودکان بی سرپرست، ارایه برنامه‌های ویژه برای جوانان و برخی فعالیت‌های عمرانی در داخل و خارج از کشور را برعهده گرفت و نخستین مأموریتش را در زلزله تربت‌حیدریه تجربه کرد. سال ۱۹۲۹ میلادی در سومین نشست کنوانسیون ژنو که پس از پایان جنگ جهانی اول در کشور سوییس و شهر ژنو برگزار شد، نماینده دولت‌های ایران و ترکیه از شرکت‌کنندگان در کنفرانس خواستند که نشان شیروخورشید برای ایران و هلال‌احمر برای ترکیه در دنیا به رسمیت شناخته شوند و در نهایت این دو نشان از جانب کنوانسیون به رسمیت شناخته شد.

اما نشان «شیروخورشید» تنها دو سال بعد از انقلاب اسلامی پابرجا بود. در تیرماه ۱۳۵۹ وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران طی اعلامیه‌ای اعلام کرد که برای هماهنگی بیشتر در نمادهای جمعیت‌های خیریه در جهان از این پس از آرم هلال‌احمر به جای شیروخورشید استفاده خواهد کرد. بعد از این تغییر نام بود که تغییرات وسیعی در ساختار، ماهیت و وظایف جمعیت به وجود آمد. نخستین تغییر اساسی ساختار جمعیت پس از انقلاب، تفکیک مراکز بهداشتی و درمانی از جمعیت بود. بر پایه مصوبه‌های بعدی هیأت دولت، مراکز مختلف پژوهشی-حمایتی و برخی از امکانات تفریحی هوایی و دریایی از جمله هواپیماهای جمعیت به سایر نهادهای واگذار شد. پس از این تغییرات، نخستین اساسنامه جمعیت هلال‌احمر در سال ۱۳۵۹ به تصویب رسید. در اوایل سال ۱۳۵۹ دکتر علی بهزادینیا با به عهده‌گیری مسئولیت جمعیت تا حد امکان به بازسازی دوباره ساختار آن پرداخت. در نهایت در دی ۱۳۶۲ برابر ماده واحد مصوب مجلس شورای اسلامی، عنوان جمعیت به جمعیت هلال‌احمر جمهوری اسلامی ایران تغییر یافت. در پی این تصمیم، ایران از کلیه حقوق بین‌المللی خود برای به کارگیری انحصاری از نشان شیروخورشید سرخ صرف‌نظر کرد و داستان «شیروخورشید» بالاخره به پایان رسید و این نشان از آیین‌نامه و اساسنامه تشکل بین‌المللی جمعیت‌های صلیب‌سرخ و هلال‌احمر حذف شد.

امروز و در آستانه چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی جمعیت هلال‌احمر ایران به عنوان یکی از مهمترین ارکان‌های امدادی در منطقه شناخته می‌شود و مواردی مانند خودکفایی در عرصه تولید دارو و محصولات پزشکی، توسعه فرهنگ داوطلبی، ارایه خدمات در مراسم حج و اربعین، استفاده‌بهبینه از ظرفیت جوانان، ارایه خدمات در دوران دفاع مقدس، ارایه خدمات درمانی و توانبخشی، ارسال کمک‌های بشردوستانه و هماهنگی در پشتیبانی از عملیات سوانح بین‌المللی، اجرای طرح پیمان برای پیشگیری از اعتیاد، تربیت و استفاده از سگ‌های زنده‌یاب در سوانح مختلف، حمایت از مردم مظلوم و مسلمان فلسطین، امدادسانی به‌موقع در زلزله‌های طیس، رودبار و کرمانشاه، اجرای موفق طرح نذر آب، کمک به مسلمانان میانمار، اجرای آموزش همگانی، اعزام تیم‌های پزشکی در قالب کاروان سلامت، ساماندهی پایگاه‌های امدادونجات‌جاده‌ای، فعالیت مرکز امداد هوایی، خودکفایی در صنایع نساجی و بسیاری موارد دیگر را می‌توان به عنوان فعالیت‌های درخشان جمعیت هلال‌احمر در ایران دانست.

شاهروند ۹۵ آغاز جنگ

www.shahrvand-newspaper.ir



آغاز بدون پایان هشت سال جنگ

دارد. حرف‌های نسبیبه ۱۶ ساله، دوست خوزستانی خوارم که صدای پای سربازهای عراقی را توی کوچه محل زندگی‌شان در خرمشهر شنیده بود و مادرش را دست‌های خودش خوارم سه ساله‌اش را دفن کرده بود، کاری می‌کرد که شب‌ها از ترس جنگ نخوابم. هر چقدر هم بابا خاطرات سال‌های جبهه را با خنده و شوخی برپایان تعریف می‌کرد، برای من که کودک‌کی ام را در نزدیک‌ترین حالت به مهاجران عراقی و خوزستانی گذرانده بودم جنگ فقط یک معنی داشت: آوارگی. آوارگی. آوارگی. که تمام نمی‌شد حتی اگر قطعنامه‌ها پذیرفته می‌شدند و رؤسای جمهور به روی لب‌خند می‌زدند. الان نه می‌دانم صدیقه خانم بالاخره برای پیدا کردن قبر پسر هایش به عراق رفته یا نه، نمی‌دانم نسبیبه توانسته یک بار دیگر پایش را توی خیابان‌های خرمشهر بگذارد یا نه، اما می‌دانم جنگ برای آنها هنوز هم تمام نشده‌است.

جوان در عراق ماندنش که احتمالاً آن موقع دیگر در این دنیا نبودند، زار می‌زد. صدیقه خانم و مامان با هم صدام را نفرین می‌کردند و هر کدام برای عزیزان خودشان روی سینه‌شان می‌زدند. آدم‌های صدام دو پسر ش و شوهر و پسر خوارش که آنها هم در کوچ‌های دیگر از محله‌م‌زندگی می‌کردند دستگیر کرده بودند و حالا همه می‌گفتند که آنها را کشته‌اند. نه تنها صدیقه خانم و خوارش بلکه خیلی از عراقی‌های دیگر ساکن قم جرأت برگشتن به کشورشان را نداشتند، سال‌ها گذشته بود و آنها نزدیک‌ترین دوستان و فامیلشان را ندیده بودند. در کشوری زندگی می‌کردند که خیلی از مردمش آنها را متعلق به کشور دشمن می‌دانستند با این‌که به دلیل شیعه و ایرانی الاصل بودن همه چیزشان را باخته بودند و این یعنی جنگ هنوز تمام نشده بود. آنها تنها مهاجرانی نبودند که به یاد می‌آوردند جنگ نه با موشک و تانک بلکه از هزار راه دیگر هنوز ادامه

فاطمه رجبی | من درست یک‌سال بعد از تمام شدن جنگ به دنیا آمدم، یعنی برعکس خوارم و برادر من نه خاطره‌ای از موشک باران تهران دارم، نه استرس ماه‌های متوالی جبهه رفتن با بابا کشیده‌ام و نه گر‌به‌های مامان برای شهادت دوستان و فامیل‌ها را دیده‌ام، اما ۴ سال زندگی در شهر قم روی دیگری از جنگ را به من نشان داده است، جنگی که ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ شروع شد، اما برای خیلی‌ها حداقل تا وقتی من بچه‌ای ۸ ساله بودم تمام نشده بود. من جنگ را در چهره تک تک مهاجرانی که از عراق و خوزستان به قم آمده بودند، می‌دیدم. در چهره ماتم‌زده دختر بچه‌های عراقی که دوستی در مدرسه دخترانه فاطمه زهرا می‌محله سالار، به‌م‌نداشت، با اینکه در قم به دنیا آمده بود و فارسی را مثل ما حرف می‌زد. جنگ را توی چشم‌های صدیقه خانم همسایه رو به روی خانه‌مان می‌دیدم، وقت‌هایی که برای کمک به مامان به خانه‌مان می‌آمد و برای پسران



دراهمیت صداوسیما

از اولی که رادیو و تلویزیون در اختیار جمهوری اسلامی واقع شد، راجع به آن نگرانی داشتیم. برای این‌که این سازمانی است که اگر خوب باشد مملکت ما خوب می‌شود و اگر فاسد باشد، ممکن است که بسیار فساد ایجاد کند. از این جهت، تذکراتی باید به شما بدهم. یکی این‌که این دستگاه رادیو-تلویزیون که در خانه‌های حتی روستاها، در همه جا نفوذ دارد، اگر صد درصد اسلامی نشود، معنایش این است که اسلام در ایران پیاده نشده است. اگر بنا باشد رادیو-تلویزیون در خدمت‌های و یا گروهی که منحرف هستند و اوجاج دارند قرار داده بشود، ممکن است که سر تا سر مملکت را به فساد بکشد. از این جهت شما موظفید؛ هم وظیفه شرعی و هم وظیفه قانونی دارید که دستگاه رادیو-تلویزیون را از گروه‌هایی که منحرف هستند و با ارتباط با رژیم سابق داشته‌اند در خدمت آنها نبوده‌اند تصفیه کنید، و اشخاصی که فاسد هستند که موجب فساد می‌شوند را هم تصفیه کنید. شما باید اینها را با کمال قدرت بدون هیچ ملاحظه‌ای از رادیو و تلویزیون تصفیه کنید. مهم‌تر از همه قضیه اخبار است که باید کاملاً دقیق شود که اشخاص منحرف در آن راه نیابند. آخر جمهوری اسلامی فقط لفظش که نیست، باید واقعیت پیدا کند.

امام خمینی (ره): ۲۳ اردیبهشت ۱۳۵۹

مانندگاران	
شهادت بیسیجی ۱۳ ساله	خدا حافظ سهراب
نوجوان ۱۳ ساله محمدحسین فهمیده، با فداکاری زیر تانک عراقی رفته، آن را متفجر کرده و خود نیز به شهادت رسیده است.	سهراب سپهری در بیمارستان پارس تهران به علت ابتلا به بیماری سرطان خون درگذشت و در روستای شهداردهال خاک شد
۸ آبان	اول اردیبهشت

ردپیشنهاد بنی‌صدر برای نخست‌وزیری سید احمد خمینی

پاسخ امام خمینی (ره) به بنی‌صدر: بنا ندارم اشخاص منسوب به من متصدی امور ایران شوند. احمد، خدمتگزار ملت است و در این مرحله با آزادی بهتر می‌تواند خدمت کند و السلام علیکم.

اول مرداد

آسمان عراق سیاه شد

عملیات کمان ۹۹، بزرگ‌ترین عملیات تاریخ نیروی هوایی ایران و عملیاتی موفق بود و باعث برتری هوایی ارتش ایران در ماه‌های آغازین جنگ شد.

اول مهر

کودتایی که خنثی شد

قرار بر این بود کودتای نوزده به پرواز چند فرزند هواپیما از پایگاه هوایی شهید نوزه همدان آغاز شود. این کودتا چنان دقیق طرح‌ریزی شده بود که طراحان موفقیت آن را قطعی می‌دانستند و حتی اعلامیه‌های پیروزی آن آماده و در منازل برخی از کودتاچیان انبار شده بود. حجت‌الاسلام محمد محمدی ری‌شهری چگونگی اطلاع یافتن از نقشه کودتا را اینجنین شرح می‌دهد: «نزدیک غروب آفتاب روز ۱۳۵۹/۴/۱۷، آقای سعید حجازیان که با کمیته اداره دوم ارتش همکاری داشت، به دفترم آمد و هیجان‌زده گفت کار خصوصی دارم. ظاهراً چند نفر در دفتر بودند، به من نزدیک شد و گفت: «امشب قرار است کودتا شود.» همین خبر باعث شد تا کودتا کشف و خنثی شد.»

مصطفی میرسلیم، سرپرست شهربانی صدور مجوز برگزاری هرگونه میتینگ و مراسم برای احزاب سیاسی در دانشگاه را ممنوع اعلام کرد

دانشگاه‌ها تعطیل شدند

درگیری‌های پراکنده در دانشگاه، در طول سال‌های ۵۸ و ۵۹ ادامه داشت؛ تا در نهایت پس از تصویب شورای انقلاب و تأیید امام خمینی (ره) قرار شد تمام دانشگاه‌های کشور تعطیل شود.

اول خرداد

جعبه صدا

این اثر به مناسبت شهادت شهید مطهری، با صدای محمد گلریز و احمد علی راغب اجرا شده است. محمد گلریز در خصوص این قطعه می‌گوید: «حمید سبزواری برای آهنگسازی این اثر به علی راغب در میدان ارگ، در استودیوی قدیم رادیو قرار ملاقات می‌گذارد و زمانی که آقای راغب شعر را از وی می‌گیرد، در همان لحظه شعر را با آهنگ مورد نظر می‌خواند، به گونه‌ای که استاد سبزواری فکر می‌کند که وی این آهنگ را قبلاً ساخته است...»

نیم‌نگاه استقرار امام در جماران

به دلیل آن‌که امکانات کافی برای معالجه امام در قم نبود و ایشان به مراقبت بیشتری نیاز داشت، از این جهت بنا به دستور پزشکان این جابه‌جایی صورت گرفت.

۲۸ اردیبهشت

با آوازسازی ۵۴ گروه‌گان در الجزایر صورت گرفت

پایان ماجرای گروه‌گان گیری

۳۰ دی

اعلام طرح پرچم رسمی جمهوری اسلامی ایران

پس از گذشت بیش از یکسال از شکل‌گیری و تثبیت نظام جمهوری اسلامی ایران، از طرف دولت وقت، مشخصات فنی و ظاهری پرچم رسمی کشور اعلام شد. در این طرح پرچم رسمی جمهوری اسلامی ایران در رنگ‌های سبز در بالا، سفید در وسط و سرخ در پایین همراه با علامت مخصوص جمهوری اسلامی و شعار الله‌اکبر مشخص شده بود.

۱۵ تیر

یکسال پس از تروهای ولی‌الله قرنی، محمد منتق و مرتضی مطهری

اکبر گودرزی رهبر گروه فرقان اعدام شد

۳ خرداد

قطع رابطه آمریکا با ایران

جیمی کارتر، رئیس جمهوری آمریکا طی دستوری قطع روابط سیاسی و بازرگانی با ایران را اعلام کرد. در پی این تصمیم، امام خمینی (ره) بیانیه‌ای در این رابطه منتشر کردند. امام در این پیام با اشاره به انتشار دستور کارتر برای پایان روابط سیاسی ایالات متحده با ایران گفته بود: «اگر کارتر در عمر خود یک کار خیر کرده باشد، همین قطع رابطه است.»

۱۹ فروردین

باز نشر گزارش شاه مُرد

شاه مُرد



چند روز از عمل جراحی در ۶۱ سالگی در بیمارستان معادی قاهره بر اثر بیماری سرطان خون درگذشت. «اطلاعات»، نخستین روزنامه ایرانی بود که در شماره‌های ویژه در عصر روز پنجم مرداد ۱۳۵۹ با فونت درشت خبر داد: «شاه مُرد» و در گزارش خود نوشت «با شنیدن این خبر بلافاصله در میان شور و شادی کارکنان و کارگران مؤسسه اقدام به چاپ فوق‌العاده روزنامه نمودیم و این خبر را در اولین لحظات ممکن به‌طور رایگان در اختیار مردم قرار دادیم. همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد این خبر شور زاندا لوصفی در مردم ایجاد کرد، به‌طوری که اتومبیل‌ها در سطح شهر چراغ‌های خود را روشن نموده و با به صدا درآوردن بوق‌های خود در این شادی ملی شرکت کردند.»

گروه‌گان‌گیری ۶۶ دیپلمات آمریکایی در تهران احساسات آمریکایی‌ها را علیه شاه برانگیخت و افکار عمومی آمریکا خواستار اخراج شاه از آمریکا شدند. در این موقع وزارت امور خارجه آمریکا از شاه خواست تا خاک آمریکا را ترک کند، چون هیچ کشوری مایل به پذیرش شاه نبود، خود آمریکایی‌ها محلی را برای اقامت شاه پیدا کردند و او را به پاناما فرستادند. اقامت در پاناما به بهای چندین میلیون دلار تمام شد و چون مقامات پاناما تصمیم گرفته بودند در قبال دریافت پول و نفت، شاه را تحویل ایران بدهند، شاه مجدداً مجبور به رفتن به مصر شد. شاه پس از رسیدن به قاهره در بیمارستان معادی قاهره تحت عمل جراحی قرار گرفت. آخرین شاه ایران سرتاجم پس از

نگاه‌سال

چطور «پنجه عقاب» در طیس شکست!

۵ اردیبهشت ۱۳۵۹ یادآور شکستی سخت برای نیروهای متجاوز آمریکایی است. بالگردها و هواپیماهای آمریکایی که وارد حریم ایران شده بودند، با طوفان شن در طیس روبه‌رو می‌شوند و عملیات آنها با شکست روبه‌رو می‌شود. این عملیات در ارتش آمریکا به عملیات پنجه عقاب مشهور است، عملیات نظامی نیروی دلتا که قرار بود با ورود به خاک‌های ایران و استقرار در کویر گروه‌گان‌های لانه جاسوسی را رها کنند. عملیات «پنجه عقاب» یک ماه پس از تسخیر سفارت آمریکا در تهران، توسط ۹۰ نفر از کماندوهای آمریکایی موسوم به «دلتا» اجرا شد. کماندوهای آموزش دیده آمریکا در اواخر آذرماه سال ۱۳۵۸ عازم کشور مصر شده و در پایگاهی نزدیک قاهره مستقر شدند. فرمان اجرای این عملیات از سوی کارتر، رئیس جمهوری وقت آمریکا با اعلام کلمه رمز «بروید» صادر و در غروب روز پنجشنبه چهارم اردیبهشت ۱۳۵۸ این عملیات آغاز شد. برای اجرای این عملیات، ۶ فروند هواپیما «C۱۳۰» و «۹۰ کماندو»ی آموزش دیده آمریکا موسوم به نیروی «دلتا»، از قاهره به نساو هواپیما بر آمریکا در دریای عمان منتقل شدند. به این ترتیب نیروهای آمریکایی از خلیج فارس عازم طیس شدند، اما این نیروها پس از استقرار در صحرای طیس و پیش از حرکت به سوی تهران در پنجم اردیبهشت، دچار حادثه طوفان شن شده و از ادامه مأموریت باز ماندند.

عکس‌نویشت



افتتاح نخستین دوره مجلس شورای اسلامی

در دور اول مجلس، ۲۶۳ نماینده به مجلس راه یافتند که در این میان، تعداد ۴۰ زن، ۱۳۰ روحانی و ۱۳۳ غیرروحانی حضور داشتند.

۷ خرداد



اشغال سفارت ایران در لندن

شش فرد مسلح با هجوم به داخل سفارت ایران در لندن، ۲۶ نفر از کارکنان و مراجعان را گروه‌گان گرفته و ساختمان را به اشغال خود درآوردند.

۱۰ اردیبهشت